عکس: آذین حقیقی/ایران

از گورستان مهرپرستان تبریز تا مهرابه مراغه

آنها رو به آفتاب مرده‌اند

محمد مطلق
دبیر سرویس گزارش

اشتباه نکنید؛ در موزه عصر آهن تبریز، خبری از ابزار فلزی نیست. اینجا گورستان ۳ هزار و ۲۰۰ ساله مهرپرستان یا آن‌گونه که رومیان گفته‌اند، میترائیست‌هاست که سال ۱۳۷۶ در جریان گودبرداری پاساژی در جوار مسجد کبود، سر از خاک بیرون آورد. ۳ هزار و ۲۰۰ سال گذشته، کوروش و اسکندر و بابک از پی هم آمده و رفته‌اند. مردم، زرتشتی و مسیحی و مسلمان شده‌اند، تیمورها و چنگیزها و سلطان سلیم‌ها سوزانده و غارت کرده و برده‌اند، سیل‌ها و زلزله‌ها آمده و همه‌جا را درهم فروکوفته اما اینجا در آرامش گورستان مهرپرستان، کنار هر آدمی که گوشتش را زمان خورده و استخوانش را برای ما گذاشته، کوزه شراب و کاسه غذا همچنان باقی است. جمجمه‌ام پر می‌شود از شعر. علامه طباطبایی زمزمه می‌کند: «همی گویم و گفته‌ام بارها/ بود کیش من مهر دلدارها/ پرستش به مستی است در کیش مهر/ برونند زین جرگه هشیارها» حافظ داد می‌زند: «بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا مپسند/ که مکدر شود آیینه‌مهرآیینم»

در آیین مهر، چشم مردگان آیینه‌ای به سمت مهر است، به سمت خورشید. آنهایی که صبح مرده‌اند رو به شرق خوابیده‌اند و آنهایی که غروب، رو به غرب. درست مثل یک جنین با دست و پایی جمع، انگار که تولدی دوباره باشد در شکم خاک. باز حافظ در ذهنم زمزمه می‌کند: «ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر/ سپیده دم که صبا چاک زد شعار سیاه/ به عشق روی تو روزی که از جهان بروم/ ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه» گورستان مهرپرستان تبریز، مثل معدنی متروک در دل زمین است با پلی چوبی برای تماشا که بالای گورستان پیچ و تاب می‌خورد. آرش داستار کارشناس موزه، کلید برق را که می‌زند، قبور اموات نورباران می‌شود. نورباران که نه، اینجا نور از درون قبرها بیرون می‌آید و گذرگاه چوبی ما را روشن می‌کند. داستار، دیوار گورستان را نشانم می‌دهد و هر دوره از تاریخ شهر را با لایه‌ای از خاک توصیف می‌کند: «این پایین را ببینید! مسیر سیل است. بعد شهر یک لایه بالاتر از نو ساخته شده. اینجا دوره زندیه است؛ سفال‌ها را نگاه کنید! آن قسمت سنگی هم پایه بناهای دوره قاجار است...»

یکی از دیواره‌های سالن کناری، شماره‌گذاری شده و مفهوم هر شماره از لایه‌نگاری خاک را هم روی تابلویی نوشته‌اند. بیایید ما هم با ابزار کند و کاو باستان شناسان، زمین را بشکافیم و گرد و خاک از چهره زمان بزداییم: «۱- آوار؛ آثار معماری معاصر همراه با سفال‌های نخودی و سفید. ۲- خاک متراکم بدون سنگریزه؛ آثار خاکستر با سفال‌های دودزده نخودی، قرمز و سفال‌های لعابدار فیروزه‌ای. ۳- ماسه بادی با دانه‌های سفید؛ لایه‌های طبیعی با قطعات سفال. ۴- ماسه سیلابی با دانه‌بندی ریز؛ آثار دوره سلجوقی، تیموری و صفوی به دست آمد. ۵- خاک همراه با سنگریزه؛ آثار اجاق و آجر. ۶- خاک متراکم همراه با سنگریزه؛ کف آجر فرش شناسایی شد. ۷- خاک همراه با استخوان و زغال؛ یک تن‌پوش پیدا شد. ۸- خاک همراه با شن و زغال و سفال؛ کاشی و سفال دود گرفته. ۹- پی سنگی همراه با شن؛ سفال و خاکستر. ۱۰- خاک همراه با شن ریز و دانه‌های سفید و آثار اجاق؛ خاک به سرخی گرایید و سفال‌های تیموری به دست آمد. ۱۱- آثار اجاق؛ خاک نرم و سفال لعابدار. ۱۲- آثار اجاق؛ دو قطعه سفال خاکستری عصر آهن و گورستان عصر آهن شناسایی شد...»

پیش از آنکه داستار کلید برق را بزند و اموات ۳ هزار و ۲۰۰ ساله را در آرامش ابدی‌شان تنها بگذاریم، بار دیگر به جهت قرار گرفتن سرها نگاه می‌کنم. مردها روی گونه راست و زن‌ها روی گونه چپ خوابیده‌اند؛ بعضی با سفالینه بیشتر، بعضی کمتر. شاید بشود گفت تفاوتی آشکار میان فقیر و غنی، شاید هم نشانه‌ای از مهرورزی و عشق بیشتر. سفال‌ها چنان ظریف و نازک و دوارند که باورش سخت است سه هزار و چند صد سال پیش ساخته شده باشند. در کاسه‌ای چند تکه استخوان مانده است. انگار همین یک هفته پیش کنار عزیزی که مثل جنین در خود جمع شده و خوابیده، گذاشته باشند. او هرگز لب به آن غذا نزده و هرچه بوده در شکم زمان فرو رفته است؛ غذا و سفال و مرده و گورستان و شهر یکجا. گورستان که تاریک می‌شود، شعر خیام ذهنم را روشن می‌کند: «این کوزه چو من عاشق زاری بوده است/ در بند سر زلف نگاری بوده است/ این دسته که در گردن او می‌بینی/ دستی است که در گردن یاری بوده است»

مهرپرستی یا میترائیسم یکی از ادیان پیشازرتشتی ایرانیان است که در زمان اشکانیان به اوج گسترش جهانی خود رسید و قاره اروپا را تا انگلستان و اسپانیا و شمال آفریقا و بخشی از آسیا را تا هند درنوردید اما با رسمی شدن مسیحیت در امپراطوری روم بشدت سرکوب و پس زده شد اگرچه بسیاری از آیین و اعتقادات مهرپرستان برجای ماند و با دین جدید درآمیخت. مهم‌ترین نماد در کیش مهر، میتراس است که از شکم سنگی در دل یک غار متولد شده و گاو نری را قربانی کرده است. میتراس یا مهر هنگام تولد کلاهی بر سر و شمشیری در دست و تیر و کمانی بر پشت دارد. او تیری به دیوار غار می‌زند و صخره شکافته و آب زندگی و حیات می‌جوشد و جاری می‌شود. کیش مهر، آیین برادری و وفای به عهد و مهرورزی و محبت بود. برای همین پیروان مهر یا میترا می‌بایست در غارها یا معابد زیرزمینی که به آنها مهرابه می‌گفتند، یکدیگر را ملاقات می‌کردند و هرگز اسرار همپیمانان و هم کیشان را پیش دیگری بر زبان نمی‌آوردند. برای درک آیین رازداری و رازپوشی مهرپرستان، راهی مراغه و مهرابه روستای ورجوی می‌شوم. از بیرون چیزی پیدا نیست. معبد مهر مراغه اگرچه به ثبت ملی نیز رسیده اما این مغاک زیرزمینی دورافتاده زیر گورستانی قدیمی، نه راهنمایی دارد نه محدوده و حریم و محافظی.

باران شب گذشته، برکه کوچکی در دل مهرابه پدید آورده و هنوز از سقف، آب شره می‌کند. این آب البته چشمه حیات میتراس نیست، نشانه‌ای از رها کردن این معماری صخره‌ای شگفت انگیز و رازآلود است که زمانی محل نیایش مهرپرستان، زمانی محل عبادت زرتشتیان و مسیحیان و زمانی محل عبادت مسلمانان بوده است. اینجا می‌توانید گوشه‌ای رختخواب پهن کنید و در خنکای معبد بخوابید یا با جمع دوستان بساط جوجه کباب پهن کنید یا اصلاً روی معبد سیب زمینی بکارید و هر کار دیگری که به ذهن‌تان می‌رسد. مراغه نمونه‌های شگفت انگیز دیگری از معماری صخره‌ای دارد و یکی از آنها معبد بودیان این شهر است که در دل صخره‌های پایین دست رصدخانه تراشیده شده، با چند اتاق تو در تو و به همان ظرافت مهرابه مهرپرستان؛ معبدی در زیر زمین و معبدی در قله کوه. چه اسراری دارد مراغه! پرستشگاه بودائیان را ایلخانان بودایی با الهام از خطوط متقارن معماری مسجد و کلیسا کندند؛ روزگاری که هلاکو پادشاه بود و مراغه پایتخت. در راه بازگشت به تبریز فکر می‌کنم گورستان معبد مراغه و معبد گورستان تبریز کجا می‌تواند باشد؟ اما چه فرقی می‌کند کجا باشد؟ با همین‌ها هم نمی‌دانیم چه باید بکنیم. اینجا یافتن و پیدا کردن کار ساده‌ای است؛ هر گوشه‌ای از خاک را کنار بزنی، تکه‌ای از تاریخ بیرون خواهد آمد. پایین‌تر از گورستان مهرپرستان عصر آهن تبریز لایه‌های دیگری از زندگی باقی است. بگذارید رازها در دل خاک پنهان بمانند. او بهتر از هرکسی می‌داند چگونه باید کاسه غذای مهرپرستی را ۳ هزار و ۲۰۰ سال تمیز و تازه نگه دارد.

> مردها روی گونه راست و زن‌ها روی گونه چپ خوابیده‌اند؛ بعضی با سفالینه بیشتر، بعضی کمتر. سفال‌ها چنان ظریف و نازک و دوارند که باورش سخت است سه هزار سال پیش ساخته شده باشند. در کاسه‌ای چند تکه استخوان مانده است. انگار همین یک هفته پیش کنار عزیزی که مثل جنین در خود جمع شده و خوابیده، گذاشته باشند. او هرگز لب به آن غذا نزده و هرچه بوده در شکم زمان فرو رفته است؛ غذا و سفال و مرده و گورستان و شهر یکجا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۹۱۳

آسان

	۶	۸			۷			
۲		۹				۸		۵
۴					۸		۳	
	۹				۴	۵		۷
۱		۴	۷		۵	۹		۳
۸		۵	۱				۶	
	۸		۴					۶
۶		۲				۷		۸
			۵			۱	۲	

متوسط

۷				۹	۶			۴
	۲		۵	۸		۶	۱	
		۱	۷	۶				
		۷	۸	۱	۴	۲		
				۵	۳	۸		
	۵	۳		۷	۹		۲	
۹			۴	۲				۵

سخت

		۳					۴	
۱			۷				۵	
	۹	۲		۳			۸	
					۲	۸	۷	
			۸	۴	۶			
	۸	۴	۵					
	۳			۶		۹	۱	
	۷				۸			۶
	۱					۵		

خیلی سخت

					۵	۳	۹	
		۵					۴	
	۶	۳	۸	۱				
		۲		۵			۸	
		۷				۹		
	۵			۶		۷		
				۹	۶	۸	۲	
	۱					۴		
	۳	۸	۷					

حل جدول سودوکو شماره ۳۹۱۳

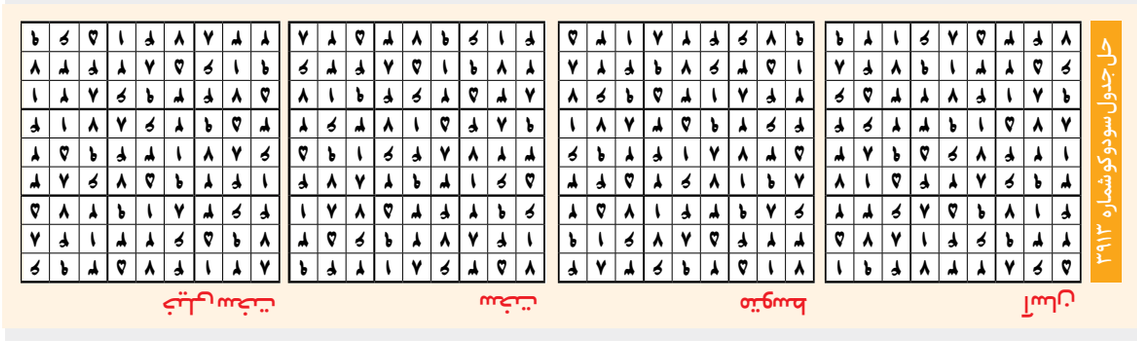

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۸۲

جدول عادی

افقی:

۱- توقفگاه خودرو - مأمور راه‌آهن
۲- عمق - دخترمازنی - جمع وصیت
۳- دربردارنده - ظرف سرخ کردن - جنگجو
۴- ضمیر اشاره برای نزدیک - تراشیدن - هواخواه و پیرو - تن پوش لاغری موقت!
۵- جدید - عددنحس - آرمان
۶- بهنجار - سنگ آسمانی - فضایی در قسمت زیرین کشتی
۷- مقابل «حاد» - میهن - جمع رأی
۸- شجاع، دلیر - عقیده انتخاباتی - آلاخون والاخون
۹- رفیق مشهدی - جرو بحث، خصومت - اول هر چیز
۱۰- روستا - رسم کننده - دینداری
۱۱- فدراسیون کشتی - شهری در استان مرکزی - گلابی
۱۲- نت بیمار! - منظم، آراسته - دوشاب - بزرگی و عزت
۱۳- نان از شب مانده - فال‌بینی - شهرت طلب
۱۴- کجی - نوعی فعل - بسیار درخشنده
۱۵- باریک بین - کثرت و وفور

عمودی:

۱- بازیگر مرد سریال در حال پخش «زیرخاکی» - پسوند محافظت
۲- بایگانی - سوغات کرمان - بهنگام رسانی
۳- عزیمت کردن - عدد پیشرفت محصل - کشاورزی
۴- دهان - غربال سیمی - ۱۲ کیلوگرم - بدن درخت
۵- جوش فلزی - سرشار - شالوده
۶- دهان پرنده - نوعی بیماری عفونی - دلیری و پررویی
۷- گذرگاه مسافر در فرودگاه - دلدار - دلگشایی
۸- پوشاک - فریاد عدالت! - عهد جوانی
۹- رشته شمشیربازی - مناسبتی در آغاز زمستان - توجه فراوان
۱۰- داد و فریاد مردم - چوب سوزاندنی - مساوی عامیانه
۱۱- دریا - دخل، عایدی - گیرنده امواج
۱۲- یاری و مدد - مفت - فرایند و جریان - پدر عرب
۱۳- تکرار سخنی - عظمت، شکوه - فرماندهان
۱۴- سالم و درسلامت - نوعی سس و ادویه - سخت پوست جزیره ساز
۱۵- عضو دستگاه تنفسی - اثر تاریخی گلپایگان

جدول ویژه

افقی:

۱- زبان رسمی «اسلواکی» - اثر «کریستین هانا» (۲۰۲۱)
۲- درجه نظامی سابق ارتش - مهاجم سابق والنسیا - باران خودمانی
۳- دورنگار - فدراسیون جهانی شنا - همسرزن
۴- کشتی قدیمی مدیترانه شرقی - بددهانی - منتهای آرزو - خم بزرگ
۵- خلاف «مَه» - تیم بابل - خاک آرامگاه امامان
۶- بخشی از سازه ستون - شهر کشور «چک» - کافی
۷- الهه عشق - زبان انجیل - دور از دسترس
۸- لقب سام نریمان - مشت تودهنی - محصل هنرستان
۹- آویخته - درمان کانال ریشه - کشکینه
۱۰- بیماری ریه - روزآمد - نام «ریلکه» شاعر
۱۱- شهری در ایالت «مادایا پرادش» هند - نام دخترانه - فیلم بهرام بهرامیان
۱۲- مکان - مودت و عشق - حرص - رواندازخواب
۱۳- بخشی در «اسپانیا» - گیاهی دارویی - شهر فالوده
۱۴- مقدار فشار الکتریکی - فناوری اطلاعات - متین
۱۵- از سریال‌های رامبد جوان - شهری در «قبرس»

عمودی:

۱- فیلمی با بازی بهرنگ علوی - جغد
۲- گلزن سابق استقلال - خودداری از پرداخت وجه چک - نشسته
۳- ملامت کننده - پنجره و دریچه - امتداد
۴- تباهی - پا برجا - نشانه فعل مضارع - حرف ۲۵ الفبا
۵- صورتگر - محو، نابود - رود اروپایی
۶- عدد ورزشی - بیچاره و بینوا - وضوح
۷- شهری در «اوکراین» - قلاب کوهنورد - تیز
۸- شهر شاهان - بالشتک نان‌پزی - همان گل سرخ است
۹- روستایی زیبا در شهرستان علی‌آباد - در قدیم برای نوشتن به کار می‌رفت - عَلَم هیأت
۱۰- کارآموز طب - قانون چنگیز - حرف گزینش
۱۱- عصاره میوه - هرنوع زیور متن - اسم مصدر از ریختن
۱۲- انبارغله - کیف فرنگی - نقد نیست - خجستگی
۱۳- سردی - سریال حسین سهیلی زاده - رعب
۱۴- سست‌تر - ثابت و برقرار - کابین
۱۵- کباب ترکی - اثری از «خواند میر»

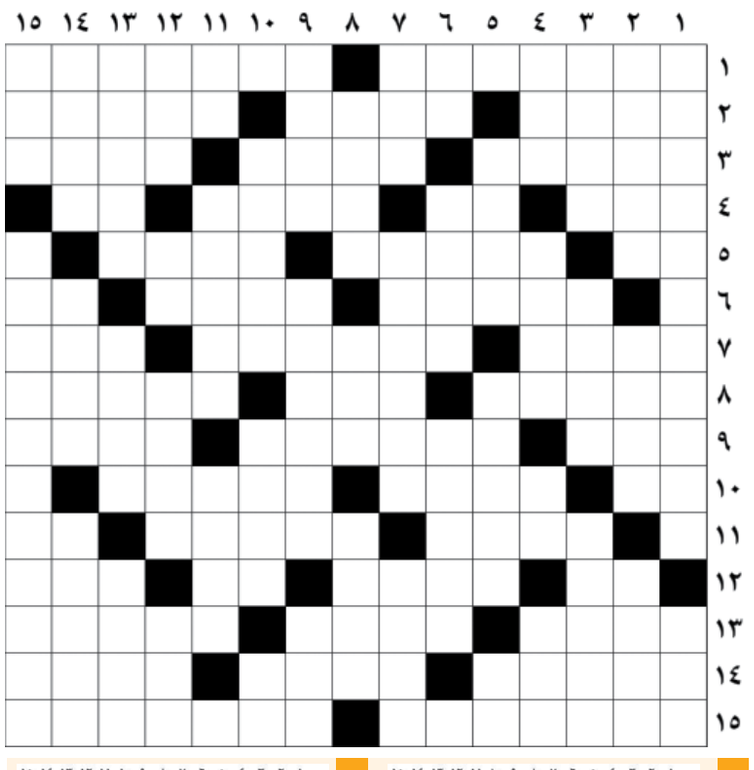

حل جدول عادی شماره ۷۸۸۱

حل جدول ویژه شماره ۷۸۸۱